

## بررسی ارتباط میان عناصر معناگرایی و ادراک گردشگر از سفر (مطالعه موردی گردشگران خارجی بازار تهران)

محمد حسین ایمانی خوشخو<sup>۱</sup>، مهدیه شهرابی فراهانی<sup>۲</sup>

دریافت: ۹۶/۷/۲۹ - پذیرش: ۹۷/۳/۱

### چکیده

انسان موجودی کمال گرا، به دنبال شناخت بوده و سفر مبتنی بر حرکت، بستر تحقق معناگرایی انسان را فراهم نموده است. معناگرایی به مفهوم تلاش در جهت شناخت معنای هستی از عناصر گوناگونی تشکیل شده است. این پژوهش به صورت کیفی- توصیفی، به شیوه مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه میدانی در دو بخش و با روش تحلیل محتوا انجام گرفت. عناصر معناگرایی از سه دیدگاه غرب، اسلام و گردشگری بررسی و تلفیق شده و در بخش اول پس از ارزیابی مصاحبه خبرگان، سه عنصر شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان به عنوان عناصر معناگرایی گردشگر منتج گردید. در بخش دوم طی مصاحبه ای که با گردشگران خارجی بازار تهران در دی ماه ۱۳۹۵ صورت پذیرفت، ارتباط میان سه عنصر معناگرایی با ادراک گردشگر از سفر بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد شناخت جهان و انسان، ارتباط طولی با شناخت خدا دارند و گردشگر در راستای شناخت جهان پیرامون و نیروی درونی معنوی که وی را به شناخت هرچه بیشتر تاریخ، پیشینه فرهنگ و هنر انسانها سوق می‌دهد، به شناخت خالق این استعدادها و خلق اثر هنری دست می‌یابد. در حقیقت تعمق و تمرکز گردشگر خارجی بازار تهران، همان نیروی معنوی درونی او به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** سفر، معنویت، عناصر معناگرایی، جستجوی معنا، ادراک گردشگر

۱- دانشیار دانشکده علوم گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

۲- دکتری دانشکده علوم گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

گردشگر را در دنیای مدرن امروز، فردی آگاه تر و با تجربه تر از گردشگر سنتی می‌دانند که به دنبال برقراری ارتباط با طبیعت و ارتقاء ابعاد غیر مادی زندگی خود می‌باشد، لذا از عینیات فراتر می‌رود و دنبال کشف حقیقت زندگی و درک معنای حقیقی پدیده‌هاست و روحیه ماجراجویانه و اکتشافی او بستر را برای کسب تجربیات ذهنی فراهم می‌سازد (کتی اچ اس یو و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

انسان به دنبال شناخت و در جستجوی کمال و تعالی خویش است (پیدمونت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹؛ ویلسون و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). تعالی از مفاهیم معنویت و جستجوی ارتباط انسان با خودش و دیگران از جمله سایر افراد، حیوانات، طبیعت و زمین، و نیز ارتباط با خالق هستی به شمار می‌رود (پیدمونت، ۱۹۹۹؛ دایسون و دیگران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷؛ مراویگلیا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ زینبائر و دیگران<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). در این میان سفر یکی از اقداماتی است که افراد در جستجوی کسب معرفت و تجربه برای ارتباط با زمین، طبیعت، خالق هستی و یافتن مفهوم و معنای زندگی انجام می‌دهند (ویلسون و دیگران، ۲۰۱۳). انسان محور اصلی سفر و گردشگری است و گردشگری از حضور و حرکت انسان شکل گرفته است. در حقیقت اصل واقعی انسان، یک سیستم تفکر منطقی و هماهنگ و عملی پیرامون معنویات است که هدف آن تکامل روح می‌باشد که آن را «قوه مدرکه معنوی» می‌نامند (الهی، ۱۳۷۷). به عبارت دیگر اصل وجود و ماهیت بشر، بعد معنوی انسان جزء جدایی ناپذیر وجود انسان می‌باشد، از این رو معنویت<sup>۷</sup> و کشف آن، به مفهوم یافتن حقیقت وجودی انسان تعبیر می‌گردد (بام<sup>۸</sup>، ۱۹۷۴؛ مک اینتایر و روگنبوک<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸؛ مراویگلیا، ۱۹۹۹؛ مینر-ویلیامز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶؛ تانی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۲، ویلسون و دیگران، ۲۰۱۳) و معنا بخشی و شیوه شناخت هستی

1- Cathy HSU et al.

2- Piedmont

3- Willson et al.

4- Dyson et al.

5- Meraviglia

6- Zinnbauer et al.

7- Spirituality

8- Bahm

9- McIntyre and Roggenbuck

10- Miner-Williams

11- Tanyi

به عنوان ماهیت اصلی بعد معنوی انسان بیان شده است (داوسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ چان و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). انسان در جوانب مختلف زندگی در جستجوی معناست، تعالی و کمال از نیازهای انسانی شمرده شده و انسان در زندگی معناگرایی و جستجوی معنویت را راهی برای ارضای نیازهای غیرمادی خود برگزیده است. بی شک سفر از جمله اقداماتی است که با تاکید بر فلسفه اصلی آن، انسان را به سوی معنا سوق می دهد. عناصر معناگرایی در وجود انسان، با توجه به تفاوت های فردی متفاوت بوده و می توان گفت هر انسانی را جهان را از دیده خود می نگرد، لذا رویکردهای گوناگونی به معناگرایی ارائه شده است. از این رو در این تحقیق ضمن بررسی دیدگاه های غربی، اسلامی و گردشگری به معناگرایی، به شیوه مصاحبه با خبرگان در بخش اول، عناصر معناگرایی بدست آمده و در بخش دوم ارتباط میان این عناصر با ادراک گردشگران خارجی بازار تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

#### پیشینه ادبیات تحقیق

معنویت از جمله موضوعاتی است که در مطالعات داخلی در حوزه فلسفه، دین و روانشناسی تحقیقاتی پیرامون آن صورت گرفته است. بررسی پژوهش های صورت گرفته حاکی از این مطلب است که موضوع معناگرایی در مطالعات داخلی از عمق و ژرف بیشتری در مقایسه با مطالعات خارجی برخوردار می باشد. اکثر مطالعات داخلی معنویت را با تاکید و محوریت دین بیان کرده اند. در مطالعات گردشگری، معنویت در قالب گونه گردشگری معنوی در مطالعات خارجی ارائه شده است. گردشگری معنوی اشاره به طیف وسیعی از گردشگران دارد که با تعلقات مذهبی گوناگون علاقه مند به بازدید از اماکن مذهبی هستند.

امیدواری (۱۳۸۷) با مطرح کردن اهمیت معنویت در زندگی انسان، سلامت معنوی را از حوزه روانشناسی و پزشکی مورد مطالعه قرار داده است. در طول دهه ها، سلامتی بر اساس ابعاد سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی تحلیل شده بود. به دلیل عدم توافق که بر سر موضوع سلامت معنوی وجود دارد، در این پژوهش چالشها و مفاهیم کلی مطرح در این

1- Dawson

2- Chan et al.

حوزه تحلیل شده و با توجه به نفس مسأله، انجام پژوهشهای متقن علمی مبتنی بر منبع زلال معنویت، از جمله اقداماتی است که برای رفع ابهام پیشنهاد می‌گردد.

مرزبند و زکویی (۱۳۹۱) در پژوهشی شاخص‌های سلامت معنوی را از منظر آموزه‌های وحیانی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش با وجود رویکردهای مختلفی که پیرامون سلامت معنوی مطرح شده است، از دیدگاه آموزه‌های وحیانی، محوریت توجه به خدا مهمترین رکن تضمین سلامت معنوی در نظر گرفته شده است.

مهمترین تحقیقات پیرامون عناصر معناگرایی با تمرکز بر نظریه تحلیل وجودی فرانکل انجام شده‌اند. حسنی بافرانی و آذربایجانی (۱۳۹۰) ویژگی‌های انسان سالم را در جستجوی معنا از منظر فرانکل بررسی کرده‌اند. در تحقیق دیگری جهانگیری و هاشمی (۱۳۹۱) نظریه فطرت دینی را مبتنی بر جستجوی معنا و معناگرایی از دیدگاه فرانکل تحلیل و ارزیابی نموده‌اند.

### روش تحقیق

این پژوهش کیفی به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های تحقیق به روش مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه در دو بخش جمع‌آوری شده و از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های کلاسیک داده‌های متنی است که از محصولات رسانه‌ای تا داده‌های مصاحبه‌ای کاربرد دارد. ویژگی برجسته روش تحلیل محتوا استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند (فلیک، ۱۳۹۴: ۳۴۷). در این تحقیق از تحلیل محتوای کیفی که توسط مایرینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۰-۲۰۰۴) ارائه شده است استفاده گردید. در نظر مایرینگ اولین گام تعریف داده است، یعنی مصاحبه‌ها یا آن بخش‌هایی که به پاسخ سوال‌های تحقیق مربوط می‌شوند. در مرحله دوم تحلیل وضعیت گردآوری داده‌هاست که چگونه به وجود آمده‌اند و در مرحله سوم داده‌ها به شکل صوری توصیف می‌شوند. در مرحله چهارم تحلیل متن‌های انتخاب شده و آن چه محقق قصد دارد با کمک تفسیر از دل داده‌ها بیرون بکشد را مشخص می‌کند (منبع همان).

1- Flick  
2- Mayring

تحقیق حاضر در دو بخش میدانی به شیوه مصاحبه انجام گرفته است. جامعه آماری گردشگران خارجی بازار تهران هستند که نمونه آماری به شیوه تصادفی در دی ماه ۱۳۹۵ از میان گردشگران خارجی در محل بازار تهران انتخاب گردید. پایایی و روایی تحقیق از آنجایی که از نوع کیفی می‌باشد، مطابق با رویکرد فولیک برررسی شده است. در پایایی تحقیق، اول با تاکید بر تعیین هر یک از گزاره‌ها به فرد مورد مطالعه و دیگری مرتبط با تفسیر محقق، دوم روش کار در میدان مصاحبه صورت گرفته و پس از جمع آوری داده‌ها مجدد کنترل و ارزیابی شده و سوم، فرآیند تحقیق به منزله یک کل با جزئیات هر چه تمام تر ثبت شده است. روایی تحقیق نیز از آنجایی که پدیده‌ها مستقل از مدعیات هستند و دستیابی به واقعیت تجربی امکان پذیر است، با بررسی نظر خبرگان و تایید آنها صورت پذیرفته است.

در بخش اول پس از مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، عناصر معناگرایی مشخص و طی مصاحبه عمیق که با خبرگان انجام گرفت، داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای کیفی مایرینگ تحلیل و عناصر معناگرایی استخراج گردید. در بخش دوم، ارتباط میان عناصر معناگرایی مستخرج از مصاحبه خبرگان، شامل سه عنصر شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان، طی مصاحبه میدانی با ادراک گردشگران خارجی بازار تهران مورد بررسی قرار گرفت. سپس داده‌های بدست آمده به شیوه تحلیل محتوای کیفی مایرینگ بررسی و نتایج مطالعه ارائه گردید.

### ادبیات نظری تحقیق

#### "معنویت"

به نظر میرسد این واژه ابتدا در زبان‌های اروپایی و در بستر مفهومی مسیحی به شکل spirituality به کار رفته باشد. این واژه از کلمه لاتین spiritus معنی نفس از ریشه spirare به معنی دمیدن با نفس کشیدن می‌آید. در ترجمه‌های لاتین عهد جدید spiritualis یا شخص معنوی، کسی است که زندگی‌اش تحت امر یا نفوذ روح القدس یا خداست. (وولف، ۱۳۸۶)

امروزه طیف وسیعی از تعاریف معنویت ارائه شده است. از عالی‌ترین رابطه انسانی تا جستجوی یک معنای وجودی، تا بعد متعالی انسان، تا نظرات و رفتارهای شخصی که حس

تعلق به یک بعد متعالی یا چیزی فراتر از خود را بیان می‌کند، به مفهوم معنویت بیان شده است (دماری، ۱۳۸۸: ۱۶). معنویت را نوعی کیفیت روانی می‌دانند که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد و در انسان ایجاد انگیزه می‌کند و احساساتی مثل درک هیبت الهی و احترام به خلقت را در شخص بوجود می‌آورد (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

در رویکردهای معاصر، عده ای معنویت را در حد مجموعه ای از توانایی‌های به هم مرتبط و یا نوعی هوش تلقی کرده اند. گروهی هم معنویت را جریان و رویکردی می‌دانند که به رضایت باطنی منتهی می‌شود. لیکن در آموزه وحیانی، بدون در نظر گرفتن معنایی معقول، نمی‌توان از معنویت سخنی گفت؛ چنین معنایی جز خداوند چیز دیگری نمی‌باشد. انسان معنوی، برخوردار از اندیشه یا تعقل ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و رابطه متقابل آنها می‌باشد. تعقلی که پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است (مرزبند و زکویی، ۱۳۹۱). برخی معتقدند ابعاد معنویت شامل تلاش برای معنا و هدف<sup>۱</sup>، تفوق و برتری به این مفهوم که انسان بودن فراتر از وجود مادی ساده است، اتصال<sup>۲</sup> (از جمله اتصال به طبیعت)، ارزشها مانند عشق، دلسوزی و عدالت می‌باشد (مولر و رومنس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). «اصل و اساس معنویت به درونی بودن آن است. این ساحت درونی است که انسان را از درون به حقیقت الهی پیوند می‌زند» (نصر، ۱۳۸۵: ۲۴۳). گروهی برای معنویت دو بعد عمودی و افقی ذکر می‌کنند. بعد عمودی منعکس کننده ارتباط با خدا یا یک قدرت بی نهایت است. بعد افقی هم منعکس کننده اتصال ما به دیگران و طبیعت و هم اتصال درونی ما است، که عبارت است از توانایی ما برای یکپارچه کردن ابعاد مختلف وجودمان و توانایی ما برای انتخاب‌های مختلف (امیدواری، ۱۳۸۷).

## "معناگرایی"

معناگرایی و معنویت از جمله واژگان و اصطلاحاتی هستند که در باور متعارف دارای معنایی مترادف می‌باشند. به طور کلی هر کسی که به دنبال معنایی برای جهان است نگرشی معنوی به عالم دارد و جهان را دارای بعدی ورای آنچه مادی اش می‌خوانند، تلقی می‌کند. بنابراین

1- Meaning and Purpose

2- Connectedness

3 -Mueller and Rummans

می‌توان گفت مراد از معنویت چیزی است که دست کم با ماورای طبیعت و خدا نسبتی داشته باشد. در فرهنگ دینی معنویت، فراتر رفتن از زندگی مادی و ارتباط با سرچشمه و مبدا معنا است، راه یافتن به باطن و حقیقت عالم است (آتشین صفت، ۱۳۹۱). مفهوم معناگرایی در برابر ماده گرایی هویت می‌یابد، در حالی که مفهوم مادی گرایی بر ماده و مشاهده طبیعی تاکید دارد، بر این اساس معناگرایی شامل تاکید بر هنجارها، ارزش‌ها، ساختارهای ذهنی، قواعد و تصورات می‌باشد (ابراهیمی و زمانیان، ۱۳۸۹). انسان‌ها با وجود اینکه در بسیاری از گرایش‌های جزئی با هم اختلاف نظر دارند، اما در یک ویژگی مشترک می‌باشند و آن هم کمال طلبی، حس حقیقت جویی، علم خواهی، زیبایی طلبی و.. است. هر انسانی طالب کمال است، چرا که فطرت انسانی منبع سرچشمه کمالات است اما ممکن است در یافتن آن اشتباه کند (مسعودی و هاشمی، ۱۳۹۱).

در این که نسبت پیدا کردن با چه معنایی، می‌تواند تعالی معنوی، آرامش و رضایت باطنی را به دنبال داشته باشد، نگاه واحدی وجود ندارد. چرا که اعتقاد بر این است معنای زندگی امری شخصی است، نه عام. بدین روی هر انسانی باید خود به دنبال یافتن معنای زندگی باشد (مرزبند و زکویی، ۱۳۹۱). فرد معنوی در زندگی هدفمند است و معنی زندگی را دریافته، حتی در مواردی که فرد به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشد (شهیدی و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۰-۴۱). نکته مهم این است که انسان را بدون بعد غیرمادی یا فطرت اصیل او نمی‌توان شناخت. پدیده‌ها، رفتارها و فرآیندهای روانی جزئی از بعد اصیل انسان محسوب می‌شوند، نه همه حقیقت انسان (مرزبند و زکویی، ۱۳۹۱). رویکردهای گوناگونی به معناگرایی وجود دارد. در ذیل از جمله مهمترین نظریات پیرامون معناگرایی سه رویکرد اندیشه غربی، دین اسلام و مطالعات گردشگری بیان شده اند:

### معناگرایی در اندیشه غربی

مارتین هایدگر<sup>۱</sup> از جمله بزرگترین فیلسوفان قرن بیستم، دغدغه انسان و مقولاتی که در ادبیات معنای زندگی نقش اولیه دارند را مورد بررسی قرار داده است. جستجوی معنای زندگی با همه

ابعاد و مشخصاتش از مهمترین دغدغه‌های فکری هایدگر محسوب می‌شود. انسان، خدا و جهان سه محور اصلی اندیشه معنای زندگی در نظر وی به شمار می‌روند (قربانی، ۱۳۹۳).

جوزف رونزو<sup>۱</sup> فیلسوف امریکایی با مطرح کردن «عشق زمینی و معنا در زندگی و دین» بیان می‌کند فهم دینی ما را به فهمی هماهنگ و یکپارچه از عشق الهی و معنای زندگی بشر خواهد رساند. از نقطه نظر رونزو، زندگی ما از طریق ارتباط با سایر انسان‌ها معنا دار می‌شود، اما معنای غایی در صورتی تحقق می‌یابد که با امری بیرون از ما و دارای ارزش نامحدود پیوندی نهایی وجود داشته باشد و زندگی دینی امکان تحقق چنین امری را پیش روی انسان قرار می‌دهد. چرا که اتخاذ دیدگاه دینی ساختار بنیادی واقعیت و ماهیت امر متعال را منعکس می‌سازد و به زندگی ارزش غایی عرضه خواهد شد (کارگری سیسی، ۱۳۸۸).

ویکتور امیل فرانکل عصب شناس، روانپزشک و روانشناس وجود‌گرای قرن بیستم و بنیانگذار نظریه «تحلیل وجودی» عقیده دارد انسان‌ها با داشتن معنا در زندگی می‌توانند سلامت واقعی را تجربه کنند، حتی اگر در دشوارترین شرایط قرار گیرند. وی متأثر از فیلسوفان وجودی، چون کی یرکگارد، شوپنهاور، هایدگر و... بر این باور است که محور اصلی شخصیت انسان، روح اوست و تن و روان همچون لایه ای آن را احاطه کرده اند. عناصر اساسی این ساحت روحانی، یعنی آزادی، معنویت و مسئولیت، راهنمای انسان به سوی سلامت و سعادت هستند. فرانکل در بیان نیازهای متعالی روحانی، از شش نیاز اصیل انسان از جمله پویایی اندیشه، معناجویی، تعالی خویشتن، ابدیت، دین و گروه دوستی عاطفی یاد می‌کند و چارچوب شخصیت سالم را بر پایه آن بنیان می‌نهد. شخصیتی فراسوی بهنجاری که در تلاش بر ای حصول به سطح پیشرفته کمال و تحقق استعدادهای وجودی خویش، حداکثر استفاده را از ویژگی‌های ماهیتی خود (آزادی، مسئولیت و معنویت) ببرد. فرانکل انسان در جستجوی معنا را و معناگرا را در قالب دیدگاه انسان سالم مطرح می‌کند که در زندگی صرفاً در جستجوی لذات مادی و ظاهری نیست (حسنی بافرانی و آذربایجانی، ۱۳۹۰). نظریه معناگرایی فرانکل همان گونه که به لحاظ فلسفی ریشه در اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی دارد، به لحاظ روان



شناختی نیز ریشه در روانکاوی و روان‌شناسی فردی و به لحاظ معنوی ریشه در تعهدی تام و تمام به وجود انسان دارد. شاخصه‌ها و مؤلفه‌های معناگرایی انسان در دیدگاه فرانکل عبارتند از:

- اعتقاد به معناداری زندگی: رکن اساسی نظریه فرانکل اعتقاد به این حقیقت است که زندگی دارای معنایی حقیقی و نه انتزاعی است. هر موقعیت از زندگی فرصتی طلایی است که به انسان امکان دست و پنجه نرم کردن می‌دهد. گره‌ای به دستش می‌دهد تا شانس گشودن آن را داشته باشد. فرد نباید پرسد که معنای زندگی او چیست، بلکه باید بداند که خود او در برابر این پرسش قرار گرفته است.
- معناجویی انسان: در درون هر انسانی نیرویی وجود دارد که او را به تلاش در پی یافتن معنای زندگی سوق می‌دهد. فرانکل این تلاش انسان در جهت یافتن یک معنا بر ای زندگی خود را نیرویی اصیل در زندگی او می‌داند، نه یک توجیه ثانوی برای سائق‌های غریزی اش. البته فرانکل معنای خاص زندگی هر فرد را منحصر به خود شخص می‌داند و معتقد است تنها خود اوست که باید و می‌تواند به آن معنا فعلیت بخشد و تنها با دستیابی به یک معناست که معناجویی او ارضا خواهد شد. به عبارت دیگر یکی از اصولی‌ترین اساس لوگوتراپی این است که انگیزه اصلی و هدف از زندگی گریز از درد و رنج و لذت بردن نیست، بلکه معناجویی زندگی است.
- آزادی انسان در ظهور اراده معطوف به معناجویی: برخلاف درک روانکاوانه و رفتارگرایانه از انسان که او را درهاله‌ای از محرک‌ها و انگیزه‌های بیرونی که در اختیار فرد نیست، فرو می‌برند؛ مهم‌ترین اصل در روان‌شناسی وجودگرایی فرانکل «وقوف انسان به خویشتن» خود است. در سایه این هشیاری به خود واقعی (آنچه هست) و فاصله‌ای که با خود حقیقی (آنچه باید و می‌تواند باشد) دارد در یک خودبرانگیختی تلاش می‌کند تا با انتخاب روش‌هایی به «خود حقیقی» خود نزدیک‌تر شود و این یعنی معنابخشیدن به زندگی که از مهمترین دغدغه‌های انسان و روانشناسی اگزیستانسیالیسم است. اراده معطوف به معنا به نیاز مداوم انسان به جست‌وجو ارتباط می‌یابد؛ جست‌وجویی نه برای خویشتن، بلکه برای معنایی که به هستی ما معنا و مفهوم می‌بخشد و به هر میزان که آدمی وقوف بیشتر و عمیقتری به ساحت‌های وجودی خود پیدا می‌کند،

به همان اندازه نیز دامنه اختیار او در گزینش راهکارهای مناسب و مفید افزایش می‌یابد (مسعودی و هاشمی، ۱۳۹۱). در مجموع مطابق با دیدگاه فرانکل، عناصر معناگرایی را در اندیشه غربی به صورت زیر بیان کرد:



منبع: مسعودی و هاشمی، ۱۳۹۱

### معناگرایی در اندیشه اسلام

از دیدگاه اسلام گرایش معناجویی منبث از هویت انسانی و نحوه هستی اوست که فطرت نامیده شده و نیز بخشی از عالم تکوینی است که خداوند متعال آفریده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۴). معنا به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دولایه باشد: یکی ظاهر که حکایت گر است و دیگری باطن. در علوم اجتماعی سخن از رفتار معنادار است و مقصود از آن عملی است که برای رسیدن به مقصود و هدفی خاص، از فاعل سر می‌زند، به گونه ای که اگر چنین هدفی در کار نباشد عملی بی معنا و احمقانه تلقی می‌شود (مرزبند و زکوی، ۱۳۹۱). چند ویژگی در انسان نهفته است که وی را از سایر مخلوقات خلق کرده، متمایز می‌کند. وجود دو ساحت در انسان<sup>۱</sup> یعنی از یک سو ساحت مادی و جسمانی و از سوی دیگر ساحت

غیرمادی، که عنصری ملکوتی و الهی است، و از نگاه فرهنگ قرآنی، روح نامیده می‌شود، خمیرمایه انسان را تشکیل می‌دهد؛ وجود روح الهی در انسان، برای وی کرامت ذاتی به بار آورده است. از سوی دیگر، انسان موجودی غایتمند آفریده شده است. منظور از داشتن غایت، آن است که در عرصه تعالیم و حیانی، آفرینش انسان و جهان، هدفی مشخص دارد.<sup>۱</sup> از آنجاکه خصلت معناجویی برای انسان و شوق وی برای کشف معنای زندگی اش مقدم است بر تعامل و تخالط وی با جامعه، این جهت‌گیری مؤمنانه برای انسان باعث می‌شود خود را موجودی مختار بیابد و چون خود را مختار یافت، مسئول هم می‌یابد<sup>۲</sup> (طاهری کل کشوندی و اله بداشتی، ۱۳۹۴).

طاهری کل کشوندی و اله بداشتی (۱۳۹۴) فرآیند معناجویی از دیدگاه اسلام را در دو عامل نبی درونی (عقل) و نبی بیرونی (پیامبران الهی) بیان می‌کنند. به طوریکه استوانه حیات انسان را عقل انسانی در جهت یافتن معنا دانسته و پیامبران الهی را در نتیجه معنا جویی انسان در محیط اجتماعی لازم می‌دانند.

در ادبیات قرآنی خداوند متعال به مثابه منبع و سرچشمه وجود و همه کمالات معرفی شده است و نزدیک شدن به او، هدف اصلی آفرینش انسان شمرده شده است؛ به همین دلیل، هدف غایی از حرکت، تلاش، فعالیت، و سلوک انسانی و عالی‌ترین کمال انسانی نیز بالاترین نقطه ممکن در مراتب قرب به اوست. چون خداوند قله انجام وجود انسان شمرده شده است همان‌طور که نقطه آغاز او نیز هم اوست؛ ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم<sup>۳</sup> (مرزبند و زکوی، ۱۳۹۱). مبانی بعد معنوی و معناگرایی را در اسلام می‌توان در سه بعد کلی زیر طبقه بندی نمود:

**شناخت شناسی:** در اندیشه قرآنی در کنار روش‌های شناخت تجربی، برهانی، روش و حیانی برای شناخت حقایق عالم هستی وجود دارد. مراد از روش و حیانی دستیابی به حقایقی است که از راه وحی فراهم آمده باشد. پیامبران الهی در طول تاریخ به گونه‌ای خاص با جهان غیب مرتبط گشته و به شیوه‌ای مستقیم از خداوند یا فرشتگان الهی به آگاهی و معارفی دست یافته

۱- سوره قیامت؛ ۳۶، مومنون؛ ۱۱۵، آل عمران؛ ۱۹۱، ذاریات؛ ۵۶

۲- انبیا؛ ۲۳

۳- بقره؛ ۱۵۶

اند که به نظر نمی رسد بتوان با روش معمول آنها را شناخت (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۵۵۳-۵۶۳). از نگاه قرآن واقعیت هستی از دو بخش کلی یا دو لایه فراگیر تشکیل شده است. اول، لایه ای که آدمی می تواند با تکیه بر روش‌ها و منابع متعارف شناخت بوده از آن بگشاید؛ دوم، لایه ای که نفوذ معرفتی در آن از عهده آدمی بیرون است و رازگشایی از آن تنها به دست خداوند است. به همین صورت انسان در تلقی قرآنی هم مرکب از دو بعد مادی و غیرمادی است.<sup>۱</sup> انسان، همانند قرآن، او را بطنی است و ظهری، بعد ظهری یا مادی انسان را می توان از طریق روش‌های معمول شناخت، لیکن در شناخت بعد باطنی یا روح، که مربوط به عالم امر است، دانش قلیلی به او داده شده است،<sup>۲</sup> از این رو برای شناخت همه ابعاد و نیازهای روح می بایست به وحی مراجعه کرد (مرزبند و زکویی، ۱۳۹۱).

**جهان شناسی:** در نظام هستی، نوعی شعور عقلانیت و هدفداری حاکمیت دارد، جهان به شمول سرشت انسان، وی را به سوی خدا می خواند تا زندگی اش جهت پیدا کند، چرا که همه موجودات عالم خلقت، جهت لدی الحقی دارند و به تسبیح حق مشغولند.<sup>۳</sup> آفرینش آسمان و زمین به لغو و بیهوده صورت نگرفته است،<sup>۴</sup> در این میان آفرینش انسان در این مجموعه هستی هم معنادار است: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید.<sup>۵</sup>

**انسان شناسی:** از نگاه وحی، انسان دارای دو ساحت وجودی جسم و روح است.<sup>۶</sup> جوهر وجودی او را روح تشکیل می دهد. علم طلبی و در جست و جوی کمال مطلق بودن از ناحیه انسان، دلیلی بر فطری بودن خداگرایی است هرچند که خود وی بدان علم نداشته باشد (همان).

۱- مومنون؛ ۱۴

۲- اسراء؛ ۸۵

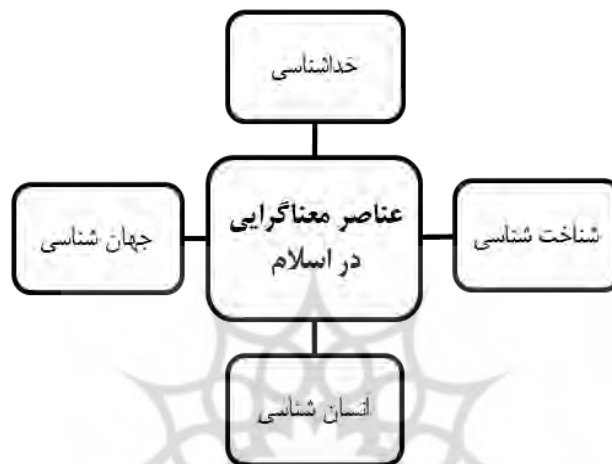
۳- فصلت؛ ۳۷

۴- آل عمران؛ ۱۹

۵- مومنون؛ ۱۱۵

۶- مومنون؛ ۱۴

از مقایسه شاخص‌های معنویت رویکردهای معاصر و آموزه قرآنی، دو نکته قابل تامل حاصل می‌شود: نخست اینکه در آموزه وحیانی بدون معنایی معقول، نمی‌توان از معنویت سخنی گفت. معنای معقول، معنایی است که به سؤالات بنیادین انسان پاسخ دهد. با نگاه تلفیقی به عناصر معناگرایی در اسلام، می‌توان این عناصر را به صورت کلی در نمودار ذیل بیان کرد:



منبع: اقتباس از مرزبند و زکویی، ۱۳۹۱

### معناگرایی در مطالعات گردشگری

بنیان و فلسفه شکل‌گیری گردشگری نیز موید همین نکته است که فلسفه سفر انسان، رفتن همراه با اندیشه و نگرش می‌باشد، به گونه‌ای که اندیشه به حرکت درآید (همایون، ۱۳۹۱). از این رو ارزش گردشگری را نمی‌توان صرفاً بر اساس لذتی که برای فرد به ارمغان می‌آورد یا منافع اقتصادی حاصل از آن قضاوت کرد (آپادورای، ۲۰۰۲)، چرا که به گفته راینسون و فیپس<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) گردشگری نقش اساسی در شناخت انسان از خود و روابط چندگانه وی با جهان مادی و غیر مادی دارد (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹).

مطالعات موجود فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که مفهوم معنویت تا به حال به عنوان یک متغیر هدف در نظر گرفته نشده است و همواره آثار مستقیم یا میانجی معنویت در سایر متغیرها

1- Appadurai

2- Robinson and Phipps

مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد با میزان اهمیتی که این مفهوم دارد و تاثیراتی که در ابعاد مختلف زندگی انسانی می‌گذارد، تعریف آن به عنوان متغیر مطلوب و تلاش برای دستیابی به آن از طریق سایر مولفه‌ها، یک اقدام قابل قبول است. لذا رسیدن به تعالی، معنا و درک متقابل به عنوان ابعاد اصلی مفهوم معنویت در گردشگری شناخته شد. با توجه به زیر مولفه‌های تعریف شده در این مدل مفهومی می‌توان هر گونه از گردشگری را از زاویه ی تاثیرات آن بر تعالی روح، دستیابی به درک و معنا و اثرپذیری از درک متقابل مورد بازشناسی قرار داد. بنابراین می‌توان معنویت در گردشگری را عنصری ذاتی و درونی دانست که در سطوح مختلف فیزیکی تا روحانی توسط گردشگر قابل دریافت و تفسیر است. گردشگری در اینجا وسیله ای می‌گردد که زمینه ی دستیابی به درک، معنا و تعالی روح را فراهم می‌سازد و گردشگر به عنوان دریافت کننده به واسطه ی آمادگی شرایط دریافت و تفسیر، به سطحی از آن نائل خواهد شد.

به نظر می‌رسد مقوله ی معنویت را بایستی به مراتب گسترده تر و جامع تر از مذهب دانست. جایی که هر گردشگر بدون داشتن نیت مذهبی، می‌تواند از عظمت طبیعت، از تقابل با فرهنگ‌های مختلف یا حتی تعامل با افراد متفاوت به درک مفاهیمی دست یابد که باعث ارتقای روحی و قلبی وی شود. این تحول می‌تواند الزاما به گرایش مذهبی وی منتهی نشود اما باعث عمیق شدن نگاه وی نسبت به جهان هستی و رسیدن به سطحی از خودشکوفایی گردد (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴).

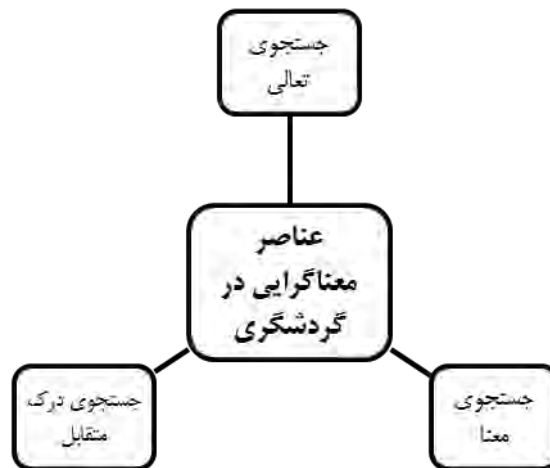
مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	زیر مولفه‌ها
معنویت در گردشگری	رسیدن به تعالی	روحی	عزت نفس خودشناسی خود شکوفایی افکار مثبت ارزش‌های اخلاقی
		جسمی	آرامش سلامت جسم و روان امنیت

کیفیت تجربه			
خودشناسی درک تفاوت‌ها تغییر نگرش درک ارزش‌های مقدس	آموزش و پندآوری	رسیدن به معنا	
هویت یابی درک فرهنگی	تعقل و کاوشگری		
حقیقت پدیده‌ها فلسفه خلقت و حوادث دین و اعتقادات دینی زیارت و برقراری ارتباط فراحسی	فراطبیعی	رسیدن به درک متقابل	
هماهنگی و نظم احترام به طبیعت	طبیعی		
ارتباطات متقابل سبک زندگی کیفیت زندگی فرهنگی	اجتماعی		
ارتباط موثر مفاهیم غیر مشترک	بین فردی		

معنویت در گردشگری

منبع: اقتباس از ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴

مفهوم معنویت در گردشگری اشاره به توجه به مضامین معنوی در گردشگری دارد که غالباً به گونه گردشگری معنوی و مذهبی محدود می‌شود. لذا با توجه به تحقیقات صورت گرفته می‌توان عناصر معناگرایی در گردشگری را برگرفته از مفهوم معنویت و مطالعات صورت پذیرفته به صورت زیر ارائه نمود:



عناصر معناگرایی در گردشگری  
منبع: اقتباس از ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴

## "ادراک گردشگر"

مسئله درک انسان، به عبارتی ادراک<sup>۱</sup>، از موضوعات بحث برانگیز ذهن بشر است که از دیرباز مورد مطالعه قرار گرفته و این پرسش همواره از سوی فلاسفه مطرح شده است که ادراکات انسان چگونه پدیدار می‌شوند (ایروانی، ۱۳۹۰). ادراک از سوی فلاسفه و روانشناسان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، از دیدگاه فلسفه ادراک همان شناخت است که با علم یکی دانسته شده و مباحثی از جمله تعقل، تخیل و احساس در آن مطرح می‌گردد (ملکی، ۱۳۸۴). ادراک همچنین یکی از موضوعات روانشناسی شناختی است و از آنجایی که محور اصلی گردشگری را انسان تشکیل می‌دهد، لذا مطالعه رفتار گردشگر<sup>۲</sup> ضرورت می‌یابد. فرآیند ادراک<sup>۳</sup> شامل فعالیت‌های شناختی، درک، حافظه، تفکر، تصور، یادگیری و مفاهیم روانشناسی است و از آنجایی که هر فرد دنیا را با دیدگاه متفاوتی می‌بیند (بارون و گرینبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۱۱۶)، لذا شخص از طریق ادراک، صرفاً نظاره‌گری انفعالی بر زندگی خود نیست، بلکه

1- Perception

2- Tourism Behavior

3- Perception Process

4- Baron and Greenberg



بازیگری است که فعالانه تصویر یا جلوه ای از دنیای پیرامون خود را از طریق فراگرد پیچیده و پویای ذهنی می‌سازد و بر اساس آن ایفای نقش می‌کند. در حقیقت ادراک هر موجودی به اندازه سعه وجودی اوست (رضایان، ۳۵: ۱۳۹۰). ادراک یک رخداد مقطعی نیست، بلکه در یک فرآیند و به صورت مستمر و پی در پی شکل می‌گیرد. ادراک گردشگر به صورت فرآیند انتقال اطلاعات گردشگر از محیط بیرونی به درون، و از حوزه ذهن به تجربه صورت می‌پذیرد (ناظم و محامد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). ادراک در مواجهه جهان درونی و بیرونی اتفاق می‌افتد. اهداف و محرک‌های محیطی همانند سیگنال عمل می‌کنند که احساس می‌شوند، در ابتدا ادراک کننده سیگنال‌های محیطی را دریافت می‌کند، سپس به بخش معنایی و روانی ذهن منتقل شده و ادراک کننده بر اساس تجربه‌هایی که از قبل داشته است، در ذهن خود آنها را معنا می‌کند (تریسمن و گلید<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰؛ مر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲).

### یافته‌های تحقیق

#### بخش اول- عناصر معناگرایی

همانگونه که در بخش ادبیات نظری بیان شد، معناگرایی از موضوعاتی است که به ویژه در مطالعات دینی و فلسفه مورد مطالعه قرار گرفته است. از معروفترین مطالعات خارجی می‌توان به دیدگاه فرانکل اشاره کرد که با بررسی نظریه تحلیل وجودی، موضوع معنا را در زندگی انسان مورد مطالعه قرار داده است. در اندیشه اسلامی نیز بحث معناگرایی در اصول عقاید دینی، قرآن و روایات ائمه معصومین با تاکید بر معنادار بودن زندگی در ارتباط با جهان و خداشناسی انجام شده است. در گردشگری، مفهوم معنویت در مطالعاتی که تاکنون انجام شده اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ابعاد و مولفه‌های معنویت ارائه شده است. با بررسی و تلفیق عناصر معناگرایی در اندیشه غربی مبتنی بر دیدگاه فرانکل، اندیشه اسلامی و مفاهیم گردشگری، عناصر معناگرایی در گردشگری پس از مصاحبه با خبرگان، به روش تحلیل محتوای کیفی به صورت ذیل بدست آمد:

- 1- Nazem and Mohamed
- 2- Triesman and Gelade
- 3- Marr



عناصر معناگرایی

منبع: یافته‌های حاصل از مصاحبه خبرگان

بخش دوم-ارتباط میان عناصر معناگرایی و ادراک گردشگران خارجی از بازار تهران عناصر معناگرایی با تلفیق دیدگاه‌های غربی، اسلامی و مطالعات گردشگری در پایان به سه عنصر شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان منتج شد و در مصاحبه ای با ده نفر از گردشگران خارجی که از بازار تهران در هفته پایانی دی ماه ۱۳۹۵ بازدید داشته اند صورت پذیرفت، ارتباط میان سه عنصر و ادراک گردشگران در بازدید از سایت تاریخی بازار تهران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

گردشگران خارجی که از کشورهای چین، استرالیا، ایتالیا و اسپانیا به تهران سفر کرده بوده اند، انگیزه اصلی خود را از سفر به ایران بازدید از سایت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران اظهار داشتند. در مصاحبه ای که با آنها انجام گرفت، توجه به معنویت از حضور در یک سایت تاریخی و ارتباط سه عنصر معناگرایی شناخت خدا، انسان و جهان با ادراک آنان از بازار تهران سوال شد. از نقطه نظر مصاحبه شوندگان، یک سایت تاریخی همچون بازار تهران به دلیل پیشینه تاریخی که دارد ناخودآگاه انسان را به گذشته و انسانهای گذشته سوق می‌دهد و خود نمودی از توجه انسان به دوران پیشین خود و درون خود است. به ویژه سبک معماری و جاذبه‌های هنری که در این سایت مشاهده می‌شود ذوق هنری انسانی را بر می‌انگیزاند که می‌تواند برای هر فردی جذاب باشد.

در پاسخ به ارتباط میان عناصر معناگرایی-شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان- و ادراک، مصاحبه شوندگان بیشتر به آشنایی با فرهنگ سایر کشورها، به ویژه ایران که دارای

تمدن تاریخی و فرهنگی غنی است و از این نظر در جهان شهره می‌باشد، گونه ای از شناخت جهان بیان کردند که در کنار شناخت انسان می‌تواند در نهایت انسان را به شناخت خدا برساند. از نقطه نظر گردشگر ایتالیایی که فرهنگ ایرانی را بسیار جذاب و مشابه با ایتالیا می‌دانست، بازدید از جاذبه تاریخی و فرهنگی را عاملی برای شناخت بیشتر فرهنگ مردمان و نیز آشنایی با هنرهای انسانی بیان می‌کند که اولاً سبب می‌شود انسان به تفکر واداشته شود و متفکرانه در این موضوع تامل کند که این هنرها برآمده از استعداد انسانی بوده و از درون ذائقه انسانی برگرفته شده است، و این نشان از قدرتی درونی دارد و ثانیاً همگی انسان را به سوی خالق و نیروی برتر نزدیک و نزدیکتر می‌نماید.

از نقطه نظر گردشگر اسپانیایی، جاذبه‌های تاریخی آنچنان جذابیتی دارند که خود عاملی برای کشش و جذب گردشگر هستند و گویی نیرویی از درون انسانی، بی آنکه خود آنها متوجه باشند، آنها را به سوی این اماکن سوق داده و سبب تفکر بیشتر انسان می‌گردد. از دیدگاه وی درک انسان بسیار درونی رخ داده و عاملی است که نمی‌توان آن را به وضوح تعریف کرد، ولی قطعاً تغییراتی را در شناخت انسان ایجاد خواهد نمود. مجموع پاسخ‌های گردشگران خارجی را می‌توان به صورت خلاصه در جدول زیر ارائه نمود:

ارتباط میان شناخت خدا، انسان و جهان با ادراک در بازار تهران	توجه به معنویت در بازار تهران
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تفاوت میان فرهنگ‌ها از عواملی است که فرد را به بازدید از تاریخ و فرهنگ مردم مناطق مختلف در جهان جذب می‌کند.</li> <li>• بازار تهران از جاذبه‌های تاریخی است که گردشگر با انگیزه شناخت فرهنگ و پیشینه تاریخی از آن بازدید می‌کند و شناخت جهان و آشنایی با فرهنگ ملل، خود یک انگیزه درونی و معنوی است که شناخت انسان و درک انسان را از سایر فرهنگ‌ها بالا می‌برد.</li> <li>• انگیزه درونی در هر فرد وجود دارد، انگیزه تفکر، شناختن، کنجکاوی که هر انسانی با توجه به شناختی که از خود دارد به بازدید از جاذبه‌های تاریخی می‌رود، و خود عاملی درونی است که به میزان سطح تفکر انسان بستگی دارد.</li> <li>• شناخت جهان و انسان، فرد را به شناخت خالق نزدیکتر می‌نماید. با سفر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• وجود معنویت بستگی به نوع نگاه هر فرد دارد.</li> <li>• فرد باید عمیقاً و با تامل سایت را مورد توجه قرار دهد.</li> <li>• به معماری اثر تاریخی توجه کند.</li> <li>• به تاریخ و پیشینه آدمیان و انسانهایی که در طول تاریخ در</li> </ul>

<p>به یک سایت تاریخی و دیدن معماری و هنر مردمان قدیم، فرد به ذوق هنری و استعدادی در درون وجود انسان می‌رسد که از سوی نیروی برتر بدان داده شده است و این خود ناشی از شناخت خداست.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• می‌توان گفت شناخت انسان و جهان، گردشگر را به صورت ناخودآگاه و غیر مستقیم به شناخت خدا می‌رساند.</li> <li>• هر چه میزان تامل انسان در سایت تاریخی به معماری، هنر و پیشینه فرهنگ و زندگی مردمان آن منطقه بیشتر باشد، شناخت وی بیشتر شده و همه اینها از یک نیروی درونی ناشی می‌شود که برای فرد جذابیت داشته و دل‌انگیز است و خود عاملی معنوی به شمار می‌رود.</li> <li>• جهان و انسانهایی که در آن زندگی می‌کنند، در نهایت بزرگی و وسعتی که دارد، بسیار کوچک است و گویی همه این انرژی‌ها در درون همه انسانها جهانشمول است، نیرویی که در همه انسانها وجود دارد.</li> <li>• سایت تاریخی بازار تهران دارای انرژی خارق العاده ای است که ناخودآگاه انسان را به خود جذب می‌کند، به ویژه فرهنگ مردمانی که در آن هستند، تعامل انسانی که میان آدمیان وجود دارد، گویی انسانها را به هم نزدیکتر می‌کند. و این خود نیرویی است از انرژی‌های درون انسانی که برای گردشگر جذابیت دارد.</li> <li>• در سایت تاریخی انرژی‌ها و جاذبه‌های غیر مادی دیده می‌شود که گویی انسان را به حالت نماز خواندن و ستودن نیرویی برتر بر می‌انگیزاند.</li> </ul>	<p>آن سایت تاریخی بوده اند، توجه نشان دهد.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• جذابیت تصاویر و آثار تاریخی به جا مانده</li> <li>• نگاه کاوشگرانه به سایت داشته باشد.</li> <li>• توجه به معنویت نیاز به تمرکز و تامل دارد که در صورت تنها بودن امکان پذیر خواهد بود.</li> </ul>
--	---

یافته‌های تحقیق مصاحبه با گردشگران خارجی در بازار تهران

پاسخ گردشگران خارجی به سوال درباره مفهوم معنویت و ارتباط سه عنصر شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان با ادراک آنان از بازار تهران در جدول بالا نشان داده شده است. پس از تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها، مجموع پاسخ مصاحبه شوندگان به شیوه تحلیل محتوا در جدول ذیل ارائه شده است:

مفهوم سازی ارتباط میان عناصر معناگرایی و ادراک گردشگر از سفر	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وجود تفاوت میان فرهنگ‌های مناطق مختلف در جهان و انگیزه درونی و معنوی شناخت فرهنگ و پیشینه تاریخی</li> <li>• کوچک بودن جهان و انرژی جهانشمول معنوی در وجود انسان‌ها</li> <li>• انرژی خارق العاده و کششی در سایت تاریخی بازار تهران</li> <li>• تعامل میان انسان‌ها در سایت تاریخی بازار تهران و نزدیکتر نمودن فرهنگ‌ها به یکدیگر</li> </ul>	<b>شناخت جهان و ادراک گردشگر</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• انگیزه درونی تفکر، شناخت و کنجکاوی فرد با توجه به میزان شناخت فردی و سطح تفکر</li> <li>• میزان تامل انسان در سایت تاریخی به معماری، هنر و پیشینه فرهنگ و زندگی مردمان آن منطقه برگرفته از یک نیرو و انگیزه درونی معنوی</li> </ul>	<b>شناخت انسان و ادراک گردشگر</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• انرژی‌های معنوی کشش پذیر به سوی ستودن نیروی برتر در سایت تاریخی</li> <li>• شناخت جهان و انسان از خویش، عامل نزدیکتر نمودن فرد به شناخت خدا</li> <li>• معماری و هنر سایت تاریخی گویای ذوق هنری و استعداد وجود انسانی برگرفته از نیروی برتر (خدا)</li> </ul>	<b>شناخت خدا و ادراک گردشگر</b>

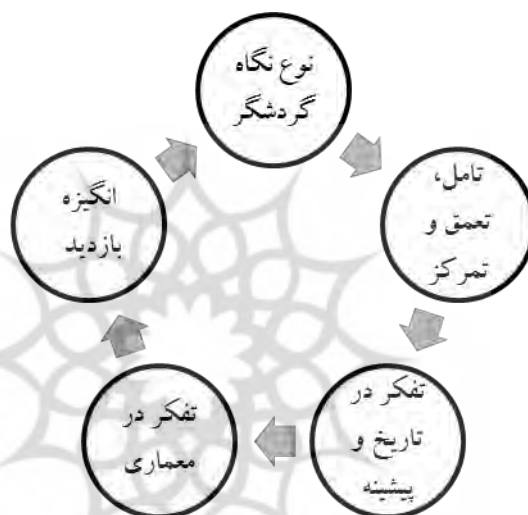
جمع بندی یافته‌های حاصل از مصاحبه با گردشگران خارجی بازار تهران

### جمع بندی

نتایج مطالعات در فلسفه، جامعه شناسی، روانشناسی، دین، و همچنین گردشگری حاکی از این مطلب است که انسان‌ها با وجود داشتن انواع تفاوت‌ها، اما در یک ویژگی مشترک می‌باشند و آن هم کمال طلبی، حس حقیقت جویی، علم خواهی، زیبایی طلبی و.. است. هر انسانی طالب کمال است، چرا که فطرت انسانی منع سرچشمه کمالات است اما ممکن است در یافتن آن اشتباه کند (مسعودی و هاشمی، ۱۳۹۱). بنیان و فلسفه شکل گیری گردشگری نیز موید همین نکته است که فلسفه سفر انسان، رفتن همراه با اندیشه و نگرش می‌باشد، به گونه ای که اندیشه به حرکت درآید (همایون، ۱۳۹۱). از این رو ارزش گردشگری را نمی توان صرفا بر اساس لذتی که برای فرد به ارمغان می‌آورد یا منافع اقتصادی حاصل از آن قضاوت کرد (آپادورای،

۲۰۰۲)، چرا که گردشگری نقش اساسی در شناخت انسان از خود و روابط چندگانه وی با جهان مادی و غیر مادی دارد (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹).

معنویت در گردشگری را باید عنصری ذاتی و درونی دانست که در سطوح مختلف فیزیکی تا روحانی توسط گردشگر قابل دریافت و تفسیر است. گردشگری در اینجا وسیله ای می گردد که زمینه ی دستیابی به درک، معنا و تعالی روح را فراهم می سازد و گردشگر به عنوان دریافت کننده به واسطه ی آمادگی شرایط دریافت و تفسیر، به سطحی از آن نائل خواهد شد.

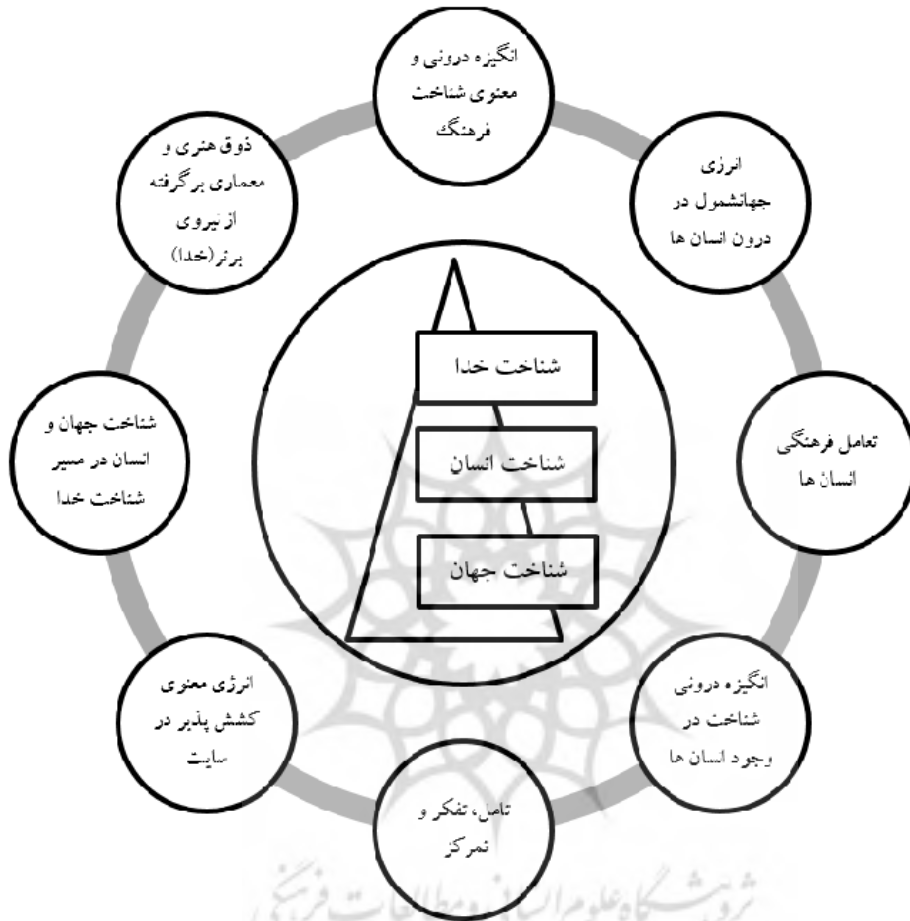


توجه به مفهوم معنویت در بازار تهران از دیدگاه گردشگران خارجی

منبع: یافته‌های تحقیق

معناگرایی یا به عبارتی جستجوی معنا، از جمله مضامین فطری است که در ذات و درون انسانی با توجه به نیاز به تعالی و کمال طلبی انسان بیان شده است. با تلفیق نظرات و دیدگاههای اندیشمندان غربی، اسلام و مطالعات گردشگری پیرامون معناگرایی، سه عنصر شناخت خدا، شناخت انسان و شناخت جهان، به عنوان عناصر معناگرایی در گردشگری از طریق مصاحبه با نخبگان مشخص شدند. ارتباط میان این سه عنصر و ادراک گردشگران خارجی در بازار تهران، به عنوان یک سایت تاریخی تحلیل و بررسی شد. نتایج مصاحبه حاکی از این مطلب است که

حتی در یک سایت تاریخی، همچون بازار قدیمی تهران نیز می‌توان معنویت را دریافت و ارتباط میان عناصر معناگرایی و ادراک را مشاهده کرد.



ارتباط میان عناصر معناگرایی (شناخت خدا، شناخت انسان، شناخت جهان) با ادراک گردشگران خارجی بازار

تهران

منبع: یافته‌های تحقیق

## نتیجه‌گیری

تعالی، شناخت هستی و کمال جویی از ویژگی‌های فطری انسان است که در زندگی از طرق گوناگون در جهت تامین این نیاز گام برداشته است. معناگرایی انسان در زندگی در راستای تامین نیاز تعالی انسانی است، برگرفته از این موضوع که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است، کما اینکه بعد معنوی وی اصلی‌ترین بخش وجودی انسان تلقی شده است. به همین سبب با توجه به فلسفه سفر که مبتنی بر حرکت بوده و می‌تواند عامل مهمی در تامین این نیاز انسانی باشد، معناگرایی و ارتباط آن با ادراک گردشگر در این پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. عناصر معناگرایی با تلفیق اندیشه‌های غربی، اسلامی و گردشگری تحت ارزیابی و تحلیل خبرگان منتج و در میان گروه گردشگران خارجی که از بازار تهران بازدید کرده‌اند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. از آنجایی که معناجویی به عنوان یک فطرت انسانی در همه انسان‌ها نهادینه شده است، لذا این فرض وجود داشت که جستجوی معنا در همه اماکن گردشگری در درون گردشگر وجود دارد و به عبارتی گردشگر مبتنی بر یک نیاز درونی و یک عامل انگیزش فطری به سفر می‌رود. معناگرایی سه عنصر شناخت جهان، انسان و خدا تمامی ابعاد زندگی انسانی را در بر می‌گیرد. از آنجایی که انسان در مسیر تامین نیاز درونی خویش گام بر می‌دارد، لذا ارتباط میان معناگرایی و ادراک وی وجود دارد، این ارتباط از دریچه شناخت جهان، انسان و خدا مورد بررسی قرار گرفت. از دید گردشگران خارجی مورد مطالعه، انگیزه درونی که گردشگر را به سوی یک سایت جذب می‌کند در شناخت وی بسیار حائز اهمیت است، همچنین هر فرد با توجه به میزان تفکر و اندیشه‌ای که دارد در یک سایت عمیق می‌شود و تأمل می‌کند. هر چه میزان تأمل وی بیشتر باشد بهتر می‌تواند تفاوت فرهنگ‌ها، ویژگی‌های مردمان آن منطقه، هم در زمان فعلی و هم قدیم، سبک هنر و معماری بکار گرفته شده در سایت تاریخی، و سایر مولفه‌های ظاهری را بهتر درک کند. از نقطه نظر گردشگران نیروی درونی در هر انسانی می‌تواند همان نیروی معنوی باشد که وی را به بازدید از بازار تهران کشانده است و همه اینها با هم منجر به شناخت و درک نیروی برتری در خلق این استعدادها و ذوق هنری خواهد شد که همان شناخت خداست.



نتایج یافته‌های تحقیق از مصاحبه با گردشگران خارجی در این نوشتار حاکی از این مطلب است که در رایج‌ترین گونه گردشگری، گردشگری تاریخی، معنویت وجود دارد و از سوی گردشگر ادراک می‌شود. چرا که معنویت یک عامل ذاتی و درونی شاکله انسانی است که نمی‌توان آن را از انسان جدا نمود. و البته گردشگر با قدرت تفکر و تعمقی که دارد، می‌تواند این نیرو را بشناسد و به آن توجه نشان دهد. حتی اگر بدان بی‌اهمیت باشد، انرژی و جذابیتی که در سایت وجود دارد بر ادراک وی تاثیر خواهد گذاشت و احساسی از یک انرژی مثبت و خوب از آن سایت خواهد داشت. نکته آخر اینکه طبق پیش فرض این پژوهش، همراستا با اندیشه اسلامی، تمامی این شناخت‌ها به شناخت خدا منتج خواهد شد؛ آفریدگاری که تمامی این نیروها و انرژی‌ها از آفرینش وی ناشی شده است.



## منابع

- آتشین صفت، عبدالرضا (۱۳۹۱). «معناگرایی و معنویت در پدیده‌های فراروانشناختی»، *مطالعات معنوی*، شماره سوم.
- ابراهیمی، شهروز، زمانیان، روح‌الله (۱۳۸۹). «معناگرایی از منظر مکتب انگلیسی در روابط بین الملل»، *فصلنامه پژوهش سیاست*، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۴). «انسان‌شناسی اسلامی و مفهوم سازی گردشگری معنوی»، *مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.
- الهی، بهرام (۱۳۷۷). «مبانی معنویت فطری»، تهران: انتشارات جیحون، چاپ دوم.
- امیدواری، سپیده (۱۳۸۷). «سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها»، *فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی*، سال اول، شماره اول.
- ایمانی خوشخو، محمد حسین، صباغ پور، مهدیه، شفیعا، سعید (۱۳۹۴). «تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا»، *مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*.
- ایمانی خوشخو، محمد حسین، پورجم علویجه، افسانه، نادعلی پور، زهرا (۱۳۹۴). «مطالعات گردشگری»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). «فطرت در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم»، قم: اسراء، ج ۱۲.
- دماری، بهزاد (۱۳۸۸). «سلامت معنوی»، تهران: انتشارات طب و جامعه.
- زمانی، شهریار (۱۳۸۴). «ماجرای معنویت در دوران جدید»؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهیدی، شهریار (۱۳۸۱). «اصول و مبانی بهداشت روانی»، تهران: سمت.
- طاهری کل کشوندی، ملم، اله بداشتی، علی (۱۳۹۴). «فرآیند معناجویی زندگی و نقش آن در ایجاد حیات اجتماعی مومنانه»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم*، سال شانزدهم، شماره سوم، صص ۷۵-۹۲.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۵). «معنویت تشیع»، گردآوری محمد بدیعی، قم: تشیع.

- عابدی جعفری، حسن و عباسعلی رستگار (۱۳۸۶). «ظهور معنویت در سازمانها»، فصلنامه علوم مدیریت، تهران، سال دوم، شماره ۵.
- فلیک، اووه (۱۳۹۴). «درآمدی بر تحقیق کیفی»، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- قربانی، قدرت الله (۱۳۹۳). «هایدگر و جستجوی معنای زندگی»، دو فصلنامه علمی تخصصی اشارات، سال اول، شماره ۱.
- کارگری سیسی، اکرم (۱۳۸۸). «معنای زندگی»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۰.
- مرزبند، رحمت اله، زکوی، علی اصغر (۱۳۹۱). «شاخص‌های سلامت معنوی از منظر آموزه‌های وحیانی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم.
- مسعودی، جهانگیر، هاشمی، خدیجه (۱۳۹۱). «بازخوانی نظریه فطرت دینی در رویکرد معناگرایی ویکتور فرانکل»، قیاسات، سال هفدهم.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). «در جست وجوی امر قدسی: گفت وگویی رامین جهانگللو با سیدحسین نصر»؛ ترجمه سید مصطفی شهرآیینی؛ قم: نشر نی.
- وولف دیوید ام (۱۳۸۶). «روانشناسی و دین، تهران، ترجمه محمد دهقانی»، انتشارات رشد.
- Bahm, A. J. (1974). *Metaphysics: An introduction*. New York: Barnes & Noble Books.
- Cathy HSU, Les Killion, Graham Brown, Michael J. Gross and Sam Huang (2008), *Tourism Marketing*, WILEY Publication, ISBN: 9780470814901.
- Chan, M.F et al.(2006) *Investigating spiritual care perceptions and practice patterns in Hong Kong nurses: Results of a cluster analysis*” Nurse Education Today (2006) 26, 139° 150.
- Dawson, P.J., 1997. A reply to Goddard s *Spituality as integrative energy* . . .Nancy Goddard s (1995) paper *Spi-* Investigating spiritual care perceptions and practice patterns in Hong Kong nurses 149 tuality as integrative energy in the Journal of Advanced Nursing. *Journal of Advanced Nursing* 25, 282° 289.
- Dyson, J., Cobb, M., & Forman, D. (1997). The meaning of spirituality: A literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 26(6), 1183° 1188.

Elkins, D. N. (2000). Towards a Humanistic Spirituality Chapter. 16. pp 201-212, in: Kirk, J. Schneider, James F. T., Bugental J., Fraser Pierson (Editors), *The Handbook of Humanistic psychology*, Edges in Theory Research and Practice .London: publications.

McIntyre, N., & Roggenbuck, J. W. (1998). Nature/person interactions during an outdoor adventure experience: A multi-phasic analysis. *Journal of Leisure Research*, 30(4), 401° 422.

Meraviglia, M. C. (1999). Critical analysis of spirituality and its empirical indicators. Prayer and meaning in life. *Journal of Holistic Nursing*, 17(1), 18° 33.

Miner-Williams, D. (2006). Putting a puzzle together: Making spirituality meaningful for nursing using an evolving theoretical framework. *Journal of Clinical Nursing Science Quarterly*, 15(7), 811° 821.

Mueller PS, Plevak DJ, Rummans TA. *Religious involvement, spirituality, and medicine: Implications for clinical practice*. Mayo Clinic Proceedings 2001; 76:1225-1235.

Piedmont, R. L. (1999). Does spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five-factor model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(6), 985° 1013.

Tanyi, R. A. (2002). Towards clarification of the meaning of spirituality. *Journal of Advanced Nursing*, 39(5), 500° 509.

Willson, Gregory B. et al.(2013) TOURISM AND SPIRITUALITY: A PHENOMENOLOGICAL ANALYSIS *Annals of Tourism Research*, Vol. 42, pp. 150° 168.

Zinnbauer, B. J., Pargament, K. I., Cole, B., Rye, M. S., Buffer, E. M., Belavich, T. G., et al. (1997). Religion and spirituality: Unfuzzifying the fuzzy. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(4), 549° 564 .